

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

داکتر محمد کریم فارغی - استرالیا

۲۴ جنوری ۲۰۲۲



داکتر محمد کریم فارغی

منافع ناروی در کشور ما را چگونه تعبیر کنیم؟



چنانچه در یکی از یادداشت هایم نوشته ام، در سالهای حاکمیت اول طالبان درست زمانی که امیرالمؤمنین فرمان منع کشت کوکنار را داده بود، هیأتی از اسلام آباد به جلال آباد آمد. رئیس این هیأت سفیر ناروی در اسلام آباد بود که آقای حنیف اتمر من حیث ترجمان و سهولت دهنده، با آنها همراه بود. باید علاوه کنم که ناروی از طریق پروژه ناروی برای افغانستان خدمات صحتی اولیه را در ولایات ننگرهار، غزنی، لغمان و بدخشان عرضه می کرد. آقای حنیف اتمر در پروژه ناروی کواردیناتور بود و کشور ناروی وی را برای ادامه تحصیلات به انگلستان فرستاد و موجبات تداوی و پروتیز پایش را که در یک انفجار در زمان حاکمیت حزب دموکراتیک در کابل از دست داده بود، فراهم نمود.

فرمان منع کشت کوکنار طی یکسال و اندی موفقانه عملی گردیده بود و از هلمند گرفته تا جلال آباد یک وجب زمین کوکنار کشت نگردیده بود. طالب ها تبلیغات شان را از طریق مساجد و رادیوی شریعت به ضد کشت کوکنار و جنبه های شرعی آن، به سمع دهقانان و مردم می رساندند. منع کشت کوکنار زمانی صورت گرفت که حاصلات به دست

آمده از فروش کوکنار و شیره من حیث ماده اولیه پروسس آن به اشکال دیگر، یگانه منبع عایداتی برای دهقانان و خرده معامله داران بود. قبل از منع کشت کوکنار یک کیلوگرام شیره اعلی از منابع هلمند و قندهار (بهترین کیفیت شیره از ولایت هلمند و به درجه دوم قندهار بود، شیره جلال آباد درجه پنجم بود) به یکهزار و دوصد کلدار رسیده بود. یکسال پس از فرمان منع کشت کوکنار، قیمت یک کیلو شیره به پنجهزار کلدار رسیده بود و به آسانی قابل دسترس هم نبود.

شام یکی از روزهای گرم تابستان در رستوران هتل اسپین غر با همکارانم در دفتر دبلیو ایچ او جلال آباد، مرحوم پوهاند صاحب مکمل صافی که در گذشته با کمیته ناروی کار می کرد، داکتر عبدالعلی و داکتر بصیر، مصروف صرف نان شب بودیم که گروه هفت هشت نفری از خارجی ها که در ترکیب شان سه خانم نیز شامل بودند و چادرهای کلان به سر انداخته بودند، با آقای اتمر در پیشاپیش شان به رستوران آمدند. استاد ما مرحوم صافی از این که قبلاً با کمیته کار می کرد و تعدادی را درین گروه می شناخت، از جا برخاست و به مصافحه با آنان پرداخت. ما هم به تعقیب او از جا بلند شدیم و دست بلند کردیم و علاوه نمودیم که چای بعد از غذا را یکجا خواهیم نوشید.

بعد از صرف غذای شب به دور میز آنان رفتیم و اتمر صاحب هیأت را یک یک به ما معرفی کرد و ما را نیز به آنها به نام رفقای دبلیو ایچ او معرفی نمود. آنها با شنیدن نام دبلیو ایچ او اندکی احساس آرامش کردند. آقای سفیر آغاز به صحبت نمود و گفت، ما و رفقاء امروز به ملاقات والی لغمان رفته بودیم. آنها پس از یک بازدید مشترک ساحه ئی از مزارعی که قبلاً کوکنار کشت می شد ولی پس از فرمان منع زرع، به عوض آن گندم کشت شده بود، از ما خواستند حکومت آنها را به رسمیت بشناسیم زیرا چنین یک اقدام موفقانه، خواست جامعه جهانی نیز بوده است. من از شما می خواهم نظر تان را درین مورد با ما شریک کنید. انصافاً سخنان والی طالبان خیلی معقولیت نیز داشت !!!

قبل از این که صافی صاحب به صحبت پردازد، من سر رشته سخن را به دست گرفتم و به سفیر و هیأت همراهش یاد آور شدم که، درین شکی نیست که طالبان به طور موفقانه مانع کشت کوکنار در سراسر کشور گردیده اند ولی آیا شما با والی لغمان این موضوع را شریک نمودید که با نظر داشت خشکسالی و محدودیت کمک های خارجی برای تخم های اصلاح شده، آیا قیمت محصول گندم می تواند حد اقل چهارم حصه محصول کوکنار را معاوضه کند؟ مسؤول این کسر عایداتی برای دهقانان کی است و آیا امارت مساعدت لازم را به آنها انجام داده است و یا نه؟ اگر نه پس چرا مقامات امارتی این موضوع را با جامعه جهانی شریک نکرده اند و تقاضای بدیلی برای آن نکرده اند؟ با این سخنان من سفیر خود را به میز نزدیکتر کرد و با دلچسپی از من خواست درین مورد بیشتر توضیح بدهم. من به سخنان خود ادامه داده فاکت هائی را در مورد ارائه نمودم. از جمله موضوع عرضه و تقاضا در مارکیت مواد اولیه (شیره) که قبلاً خیلی پائین آمده بود و هر کس این بزنس را من حیث یگانه منبع عایداتی در دست داشت، با منع کشت کوکنار، قیمت ها بالا رفته و تعداد زیاد دست فروشان مواد شان را به بازار می آورند و افراد معینی این مواد را از دست فروشان جمعآوری می کنند. در نتیجه بزنس در چینل های معین تنظیم می گردد.

مقامات امارتی از جامعه بین المللی تقاضای بدیل و کمک به دهقانان را نکرده اند زیرا آنها نمی خواهند به جامعه جهانی تعهد بدهند و در این خصوص معامله کنند زیرا در آنصورت جامعه جهانی متوسل به دستاویز پروتوکول می گردند و طالب ها را تحت فشار می آورند. طالب ها پس از آن که شناسائی جهانی را به دست آوردند و تجارت کوکنار را در چینل های مورد شناخت شان قرار دادند و بازار را کنترل نمودند، این اختیار را خواهند داشت که کشت دوباره آن را تحت نظام معینی از سر بگیرند در آنصورت جامعه جهانی هیچ دستاویزی برای ملامت ساختن آنها نخواهند داشت.

با این سخنان و جزئیات آن، آقای سفیر دست در جیب برد و کارت ویزیتش را برای من و دیگران داد و از من تقاضا کرد تا هر وقتی به اسلام آباد سفر کردم، به سفارت سری بزنم و باعث خوشحالی او گردم. با این توضیح مختصر و پیشقدم بودن ناروی در مسائل سیاسی چنین نتیجه گیری می کنم که کشور ناروی در راستای منافع غرب در رأس امریکا عمل می کند و این مأموریت به خاطر جلوگیری از اصطکاک بیشتر با احساسات مردم ما خواهد بود زیرا کشور هائی مانند امریکا و انگلستان با درگیری مستقیم در جنگ های نابرابر و توأم با جنایات جنگی، اعتماد مردم ما را از دست داده اند...